

اختلاف افکنی روس

فعالیت روس‌ها به فشار و تهدید ختم نشد. «ولاسوف» نماینده روسیه در کنسول‌گری مشهد از طریق جاسوسان خود به دروغ گزارشاتی در بازار انتشار داد که هر وسیله‌ای که با دود سر و کار داشته باشد نظیر دودکش، وسایل سوخت، گرمابه‌های عمومی و... به امتیاز رژی مربوط می‌شود. با شنیدن چنین اخباری، مردم به خیابان‌ها ریختند اما پس از مدتی با مداخله صاحب دیوان و شیخ محمدتقی بجنوردی تظاهرات مردم فروکش کرد. فردای آن روز (دوم ربیع الاول) جدی‌تر از قبل مردم دکان‌ها را بستند و در مسجد گوهرشاد تحصن کردند. با پیوستن چند تن از علما نظیر واعظ سبزواری، میرزا عبدالرحمن مدرس و سیدمحمد کلاتی و گروهی از طلاب و دسته‌ای از زنان به متحصنین، قضیه جدی‌تر شد. فتحعلی خان که اوضاع را سخت و پیچیده دید با زبانی نرم سعی کرد مردم را آرام کند. او قول داد تلگرافی در جهت رفع یا تعویق انحصار به ناصرالدین شاه بزند. ولی وعده وعیدها در مردم اثری نکرد و آنان شب را در پای منبر روحانیون

صبح کردند. در همین حال موسیو و لاسوف به دیدن نماینده انگلیس در مشهد رفت و آتش خشم مردم را پیش‌گویی کرد. بعدها سرکنسول انگلیس در مشهد در تلگرافی محرمانه به سرکنسول انگلیس در تهران، می‌گوید: «نیازی به گفتن نیست که ریشه بیشتر وقایعی که در اینجا روی داده، دخالت روس‌ها بوده است. موسیو و لاسوف روز یکشنبه مرا دعوت کرد و پیش‌گویی کرد که روز بعد آشوبی به پا خواهد شد و از اینکه صاحب دیوان بتواند از عهده آن برآید اظهار تردید کرد...»

پیش‌گویی موسیو و لاسوف درست از آب درآمد! فردای آن روز مردم بازار را تعطیل کردند. به تدریج اعتراضات رنگ و بوی ضد انگلیسی گرفت. مردم به بانک انگلیسی و رژی ناسزا و بیره می‌گفتند. زمزمه‌هایی در بین مردم پیچیده بود که انگلیسی‌ها قصد دارند ایران را مانند هند و مصر مستعمره کنند. کار بالا گرفته بود، مردم چنان خشمگین شده بودند که به سیدی که مأمور خواندن فرمان ناصرالدین شاه بود، حمله کردند. دیگر کسی برای فرمان شاه تره هم خورد نمی‌کرد. خبر تعویق شش ماهه فعالیت رژی

هم مردم را آرام نکرد.

فرمان ناصرالدین شاه چه بود؟

آن روز فتحعلی خان صاحب دیوان به دنبال بسیج کردن نیروهایش برای سرکوب اعتراضات بود که تلگراف شاه را دریافت کرد: «اکیداً حکم می‌کنم اگر آن‌ها فوراً دنبال کارشان نروند و دست از این مزخرفات نکشند، بایستی تمام سواره نظام و پیاده نظام خراسان را همراه سواران شجاع الدوله و زعفرانلو به مشهد بخواهید و تمام یاقیان را بدون استثنا دستگیر سازید و صد نفر از آن‌ها را به لوله توپ ببندید و پدرشان را بسوزانید. این قسم جسارت‌ها و وقاحت‌ها چه معنی دارد». البته اعتراض‌های مردم مشهد در روزهای سوم و چهارم ربیع الاول 1309 هـ ق همچنان ادامه یافت اما نه بیشتر.

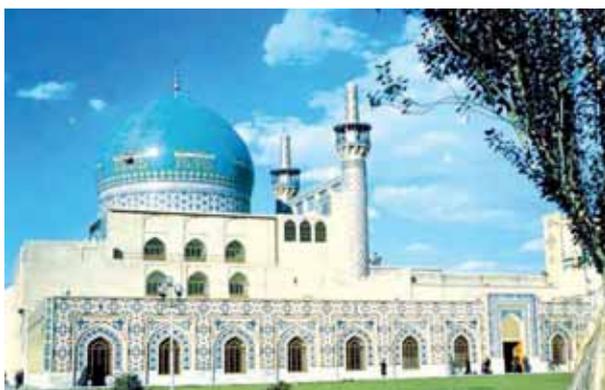
روزنامه اختر که ابتدا با دادن امتیاز به انگلیس مخالف بود بعد از مدتی با گرفتن رشوه‌های کلان از موافقان امتیاز تنباکو شد. اختر در مورخ سه شنبه 21 ربیع الآخر سال 1309 هـ ق (1 اسفند 1270) می‌نویسد: «به موجب کاغذی که از مشهد نوشته‌اند بعضی از عوام الناس آنجا به سبب

ورود مأمورین رژی به های و هوی برخاسته و با بلوا و آشوب هم‌داستان شده حتی دکاکین و بازار شهر را نیز بسته بوده‌اند ولی در ثانی به سبب اندرزه‌های مشفقانه و سودمند جناب مستطاب اجل اکرم آقای صاحب دیوان، فرمانفرمای ایالت خراسان، مردم آشوب طلب متنبه شده هر یک به گوشه‌ای خزیده‌اند، لهذا از اهتمام بلند جناب معظم الیه و کمال کارآگاهی و تجارب ایشان در امر حکومت نتیجه ناگواری از این های و هوی بی‌معنی روی نداده و خللی به بنیان و آسایش شهر وارد نیامده، اغتشاش عوام نیز به اندکی توجه ایشان مبدل به آرامش و سکوت شده است.»

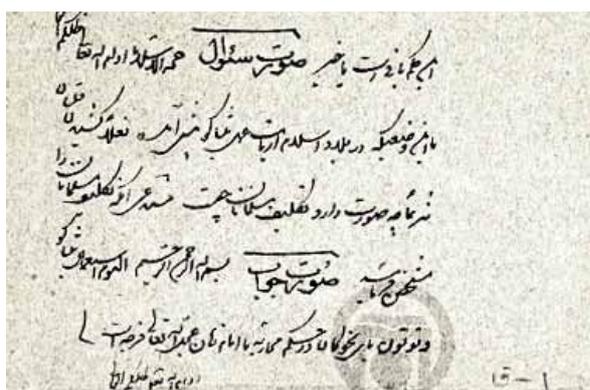
سرانجام یک نهضت پنج‌روزه

به دنبال میانجی‌گری‌های شیخ محمدتقی بجنوردی و ملک‌التجار و نیز عقب نشینی‌های دانیل و مک‌لین در مشهد شورش مردم مشهد علیه امتیاز تنباکو فروکش کرد و برخلاف مبارزات دیگر شهرها چون تهران، تبریز، اصفهان و شیراز دنباله دار نشد. البته این قیام پنج‌روزه فقط باعث شد اجرای امتیاز در مشهد، برای شش ماه به تعویق بیفتد.

بعدها سرکنسول انگلیس در مشهد در تلگرافی محرمانه به سرکنسول انگلیس در تهران، می‌گوید: «نیازی به گفتن نیست که ریشه بیشتر وقایعی که در اینجا روی داده، دخالت روس‌ها بوده است. موسیو و لاسوف روز یکشنبه مرا دعوت کرد و پیش‌گویی کرد که روز بعد آشوبی به پا خواهد شد و از اینکه صاحب دیوان بتواند از عهده آن برآید اظهار تردید کرد...»



مردم مشهد و مناطق اطراف آن در جریان‌های مختلفی در مسجد گوهرشاد تحصن می‌کردند.



استفاده از میرزای شیرازی و پاسخ تاریخی او در تحریم توتون و تنباکو

مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد در قرن نهم، در جنوب حرم امام رضا (ع) به دستور گوهرشاد آغا همسر شاه‌شاهرخ شاه تیموری، به سبک آذری و چهارایوانی ساخته شد.

مردم مشهد و مناطق اطراف آن، در جریان‌هایی مختلف از نهضت تنباکو گرفته تا قیام مشهور گوهرشاد (اعتراض مردم به تغییر لباس رضاخانی) و نیز روزهای انقلاب اسلامی، در این مسجد تحصن کرده‌اند.

رژی

«ماژور جرال تالبوت» پس از امضای قرارداد حق انحصاری خرید و فروش تنباکو، با کمک سرمایه‌داران انگلیسی در تهران شرکتی به نام «شرکت رژی» تأسیس کرد. به سبب نام شرکت، از این امتیاز، با عنوان «امتیاز رژی» هم یاد می‌شود.

میرزا عبدالرحمن مدرس شیرازی

(1268-1338 هـ ق)

در نوجوانی به مشهد کوچید. پدرش از علما و مدرسین آستان قدس رضوی بود و او هم پس از درگذشت پدر در مدرسه فاضلیه مشغول به تدریس شد. تاریخ‌نگار خراسان، زکات فطر و شرح رساله عروض از تألیفات اوست.